



## چگونه زمان تشکیل یک برگشت را در نمودار تشخیص دهیم



[https://telegram.me/TRIGGER\\_Ha](https://telegram.me/TRIGGER_Ha)



[http://www.aparat.com/trigger\\_ha](http://www.aparat.com/trigger_ha)

مترجم: محمد رضا یزدانی

ویراستار: مصطفی اهوازیان

(اعضاء گروه مترجمین تریگرها)

تریگر پرایس اکشن 



abcBourse.ir



@abcBourse\_ir

مرجع آموزش بورس



بازنشر:



مقدمه:

من فکر میکنم بی ربط نیست اگر بگوییم تریدرهای بازار فارکس مشکلات زیادی برای تشخیص زمان بازگشت قیمت دارند. بیشتر تریدرها برای پیدا کردن سطوح بازگشت قیمت مثل ساپورت و رزیستنس ها مشکلی ندارند ولی مشکل زمانی بوجود میاید که بخواهیم در زمان تشکیل، متوجه فرآیند شکل گیری برگشت در نمودار شویم. دلیل این مشکل عدم درک درست ساختار بازار در زمان شکل گیری فرآیند برگشت است. بیشتر برگشتهایی که در نمودار دیده می شود، بعد از شکل گیری ساختار خاصی اتفاق می افتد. این ساختار بدلیل نحوه قراردادن پوزیشنهای بزرگ توسط تریدرهای بانکها در زمان تشکیل برگشت شکل می گیرد.

من دوست دارم این ساختار را الگوی ساختار برگشت بنامم. الگوی ساختار برگشت بسیار شبیه برخی الگوهای تکنیکالی است که احتمالاً در مورد آنها اطلاعاتی دارید. این الگو همیشه همان ظاهر الگوهای تکنیکال را دارد ولی تقریباً هیچگاه به همان روش الگوهای قدیمی تشکیل نمی شود.

هسته اصلی تریدهای من حول تشخیص و ترید این الگو می چرخد. البته من ستاپهای دیگری همچون استاپ هانتر، پین بار، مناطق عرضه و تقاضا و ... برای ترید دارم ولی روش اصلی ترید من بر اساس این الگو می باشد. زیرا این الگو معمولاً قبل از حرکات بزرگ برگشتی شکل می گیرد.

چیزی که من در این کتاب قصد نشان دادن آن را دارم، تشخیص و ترید بر روی این ساختار برگشت است.

لازم است در ابتدا اندکی در مورد اینکه چرا و چگونه این الگو شکل میگیرد توضیح دهم و سپس روش تشخیص و ترید آنرا به شما نشان خواهم داد. زیرا با وجود شباهت ظاهری این الگو و سایر الگوهای تکنیکال معمولی، روشی که باید برای تشخیص شکل گیری این الگو بکار ببرید کاملاً متفاوت است، ولی به شما اطمینان میدهم که موضوع به تدریج تا پایان کتاب شفاف خواهد شد.

تریگر پرایس اکشن TRIGGER



abcBourse.ir



@abcBourse\_ir

مرجع آموزش بورس



باز نشر:



## الگوی ساختار برگشت چیست؟

من فکر کردم بهترین روش برای شروع، صرف کمی زمان برای صحبت کردن پیرامون الگو و نشان دادن چند مثال از نحوه تشکیل می باشد. این روش میتواند ایده مناسبی برای تشخیص ملزومات الگو در چارت به شما بدهد.

این الگو از یک نظر شبیه الگوهای تکنیکال معمولی که شما در کتابها و وب سایتها دیده اید نیست، زیرا ساختار و شکل ثابتی مانند الگوهایی نظیر سر و شانه ندارد. این الگوها ویژگی های مشخصی دارند ولی میتوانند به اشکال مختلفی تشکیل گردند.

همانطور که احتمالاً از اسمش مشخص است این الگو یک الگوی بازگشتی است. بدین معنی که شما فقط قبل از بازگشت قیمت این الگو را خواهید دید.

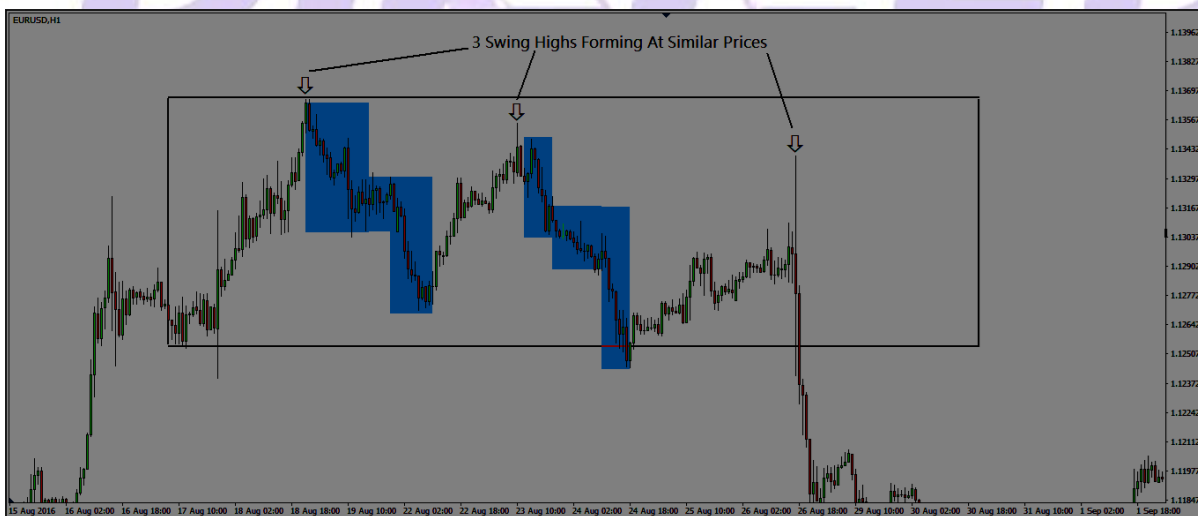
این الگو میتواند در تمامی تایم فریمها تشکیل شود و یک الگوی فراکتال است. یعنی این الگو از الگوهای کوچکتر در تایم فریمهای پایینتر تشکیل میشود. این ساختار بدلیل قرار دادن اردرهای بانکها برای برگشت دادن قیمت و یا برداشت سود پوزیشنهای باز اتفاق می افتد.

دو ویژگی اصلی در زمان تشکیل این الگو در بازار وجود دارد. اولین ویژگی این است که در زمان تشکیل نهایی این الگو چندین سویینگ بالا و پایین تشکیل میگردد. (برای الگوی صعودی حداقل دو سویینگ صعودی و برای الگوی نزولی حداقل دو سویینگ نزولی لازم است).

دومین ویژگی این است که کف ها و سقفهای سویینگهای تشکیل شده باید نزدیک به هم تشکیل شود.



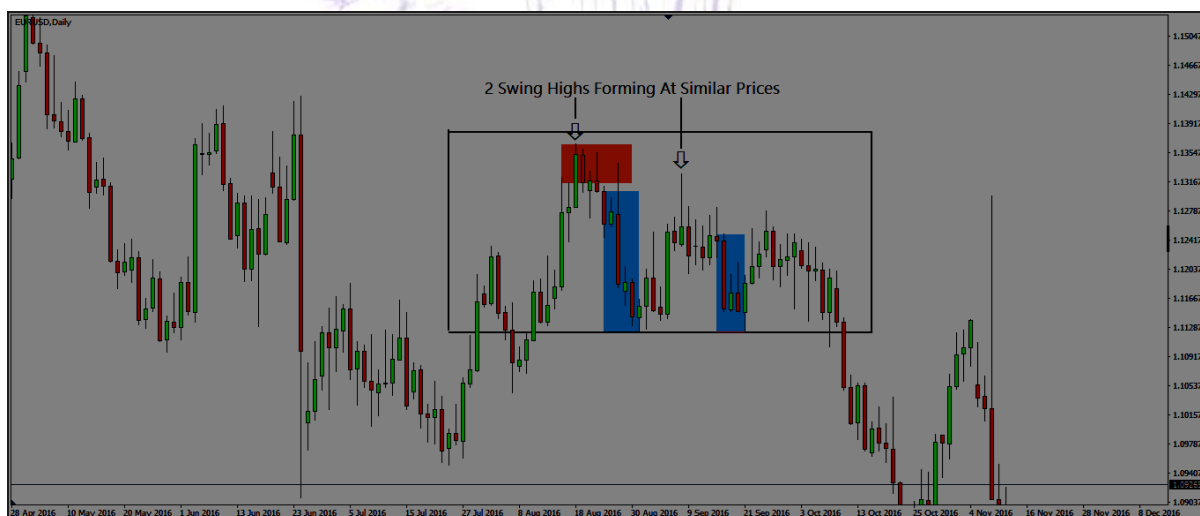
اینجا یک تصویر از الگوی ساختار برگشت در چارت یک ساعته آیوزی دلار دیده می شود. این یک الگوی صعودی است که به معنی سیگنال اتمام حرکت نزولی است. شما می توانید هر دو ویژگی الگو را که در موردش صحبت کردیم، در این شکل ببینید. این الگو حداقل دو موج صعودی (که از ملزومات الگوی صعودی است) دارد و در ضمن کف های این سویینگهای صعودی در قیمتهای مشابهی تشکیل شده است. تمامی کف ها نباید در قیمت مشابه تشکیل شود ولی وجود حداقل دو کف مشابه الزامی است.







اینجا یک الگوی نزولی در یورو دلار شکل گرفته است. باز هم مشابه الگوی قبلی هر در ویژگی مورد نیاز در این الگو دیده میشود. حداقل دو موج نزولی تشکیل شده (که با احتساب موج آخر که باعث ریزش شده است ۳ موج داریم) که سقفهای امواج نزولی در قیمتهای مشابه و نزدیک بهم تشکیل شده است. الگویی که در شکل می بینید در واقع بخشی از الگوی نزولی برگشتی بزرگتر تشکیل شده در تایم دیلی است.



اگر به چارت دیلی نگاه کنیم ارتباط الگوی تشکیل شده در تایم یک ساعته را با الگوی دیلی متوجه می شویم. قسمت داخل کادر قرمز همان الگوی تشکیل شده در تایم یک ساعته است. همانطور که می بینید این الگوی یک ساعته باعث تشکیل اولین موج نزولی در الگوی بزرگتر تایم دیلی است. دومین موج نزولی نیز چند هفته بعد تشکیل شده است. این واقعیت که موجهای تشکیل شده در الگوهای برگشتی اغلب از الگوهای تشکیل شده در تایم های پایین تر تشکیل می شود بدین معنی است که شما می توانید متوجه احتمال تشکیل این امواج از روی الگوهای برگشتی تشکیل شده در تایم های پایین تر شوید. این موضوعی است که در ادامه برای ترید کردن در این الگو از آن بهره می بریم. در زیر چند مثال دیگر از تشکیل الگوهای برگشتی آورده شده است.



این شکل یک الگوی صعودی در تایم ۱۵ دقیقه AUD/USD را نشان می دهد. مشاهده می کنید که حتی الگوی تشکیل شده در تایم پایین هم همان ویژگیها را دارد. در این مثال ما سه موج صعودی با کفهای نزدیک به هم میبینیم در صورتی که در تصویر قبل دو موج داشتیم.

امکان پیش بینی تعداد امواج تشکیل شده قبل از برگشت وجود ندارد ولی بر اساس تجربه من دیدن بیش از ۵ موج بسار بعید است. اگر بیش از ۵ موج تشکیل گردد نشانه ای قوی از تشکیل تثبیت (CONSOLIDATION) می باشد و نه تشکیل الگوی برگشتی.

### درک ویژگیهای الگوی ساختار برگشت

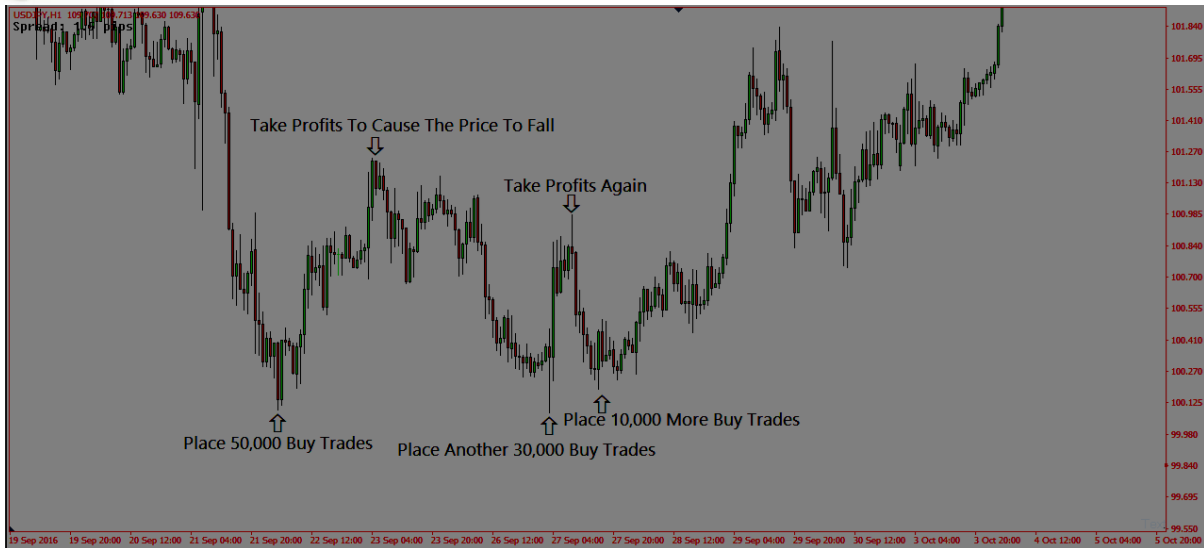
حال که شما با شکل کلی الگو آشنا شدید قصد دارم علل وجود دو ویژگی مذکور در تشکیل الگو را توضیح دهم. این موضوع باعث درک راحت تر چگونگی تشکیل الگو می شود. همانطور که در قسمت قبل توضیح داده شد، همه الگوهای صعودی یا نزولی دو ویژگی مشترک دارند. اولین ویژگی لزوم تشکیل چند سویینگ صعودی و نزولی است و دومین ویژگی تشکیل کف و سقفهای سویینگهای مذکور در قیمتهای مشابه می باشد. بیاید نگاهی به دلایل تشکیل چند سویینگ در زمان شکل گیری الگو بیندازیم.



## چرا چندین سویینگ تشکیل می شود؟

برای درک اینکه چرا در زمان بازگشت قیمت چندین سویینگ تشکیل می شود ابتدا باید کمی در مورد روش اردرگذاری تریدرهای بانکها اطلاعات کسب کنیم. برای قراردادن اردرهای بانک باید همان تعداد اردر در جهت مخالف وجود داشته باشد. برای مثال اگر بازار در حال ریزش باشد و بانکها قصد خرید و برگرداندن قیمت را داشته باشند، باید سفارشات فروش زیادی در بازار وجود داشته باشد. تنها زمانی شما می توانید بخرید که همزمان فروشنده ای در بازار وجود داشته باشد، و بر عکس در زمان صعود قیمت وقتی بانکها می خواهند اردرهای فروش باز کنند و روند قیمت را برگردانند، نیاز به تعداد بسیار زیادی اردر خرید در بازار دارند.

مشکلی که بانکها در این زمینه دارند این است که برای برگشت دادن قیمت همیشه به تعداد کافی اردر در خلاف جهت وجود ندارد و تنها می توانند بخشی از اردرهای خود را در یک زمان پر کنند. پس آنها باید راهی پیدا کنند تا تا سایر تریدرها دوباره سفارشات خرید و فروش خود را وارد بازار کرده و به تبع آن بانکها بتوانند باقیمانده اردرهای خود را پر کنند. اینکار را با نقد کردن بخشی از سود معاملات اولیه انجام شده خود عملی می کنند. وقتی آنها بخش اول معاملات خود را قرار می دهند قیمت در جهتی که آنها می خواهند حرکت می کند. پس از نقد کردن بخشی از سود این معاملات قیمت دوباره در جهت حرکت اولیه قبل از برگشت حرکت می کند. اینکار باعث ورود دوباره تریدرهای خرد به بازار می شود و در نتیجه فرصت قرار دادن سایر اردرهای بانکها بوجود می آید.



این شکل مثالی از فرآیند تشریح شده در بالا می باشد.

وقتی بانکها اولین سفارشات خرید خود را قرار دهند باعث برگشت قیمت می شوند. فرض کنید فقط به اندازه ۵۰۰۰۰ اردر فروش در بازار وجود دارد. پس آنها نهایتاً میتوانند ۵۰۰۰۰ اردر خرید خود را پر کنند. اگر آنها بخواهند قبل از برگشت قیمت تعداد ۹۰۰۰۰ معامله خرید انجام دهند پس علاوه بر ۵۰۰۰۰ اردر قبلی نیاز به ۴۰۰۰۰ اردر دیگر نیز وجود دارد. به منظور قراردادن اردرهای باقیمانده، تریدرهای بانکها باید راهی پیدا کنند که سایر تریدرهای خرد دوباره دست به فروش بزنند. روشی که آنها انجام می دهند نقد کردن بخشی از سود پوزیشنهای خرید انجام شده است. (بخشی از ۵۰۰۰۰ اردر خرید) وقتی آنها سود خود را برداشت می کنند قیمت ریزش می کند و تریدرهای خرد دوباره شروع به فروش می کنند. زیرا آنها باور دارند که این ریزش ادامه روند نزولی قبلی است و ادامه دار خواهد بود.

با وجود سفارشات فروش جدید، بانکها میتوانند ۳۰۰۰۰ اردر خرید دیگر را پر کنند. ولی هنوز ۱۰۰۰۰ اردر دیگر باقی مانده است. بنابراین آنها دوباره اینکار را تکرار می کنند تا تمامی اردرهایشان پر شود. زمانی که آخرین بسته اردرهایشان قرار داده شد قیمت دوباره به بالا حرکت میکند. ولی این بار بجای نقد کردن بخشی از پوزیشنها و پایین آوردن قیمت، اجازه میدهند





حرکت صعودی ادامه یابد. زیرا تمامی اردرهایشان پر شده و نیازی به ریزش دوباره برای تولید سفارشات فروش جدید ندارند.

این فرآیند اردرگذاری و نقد کردن بخشی از آن برای تولید سفارش جدید، دلیل تشکیل الگوی ساختار برگشت در بازار است. این مثال یک مثال واقعی در خصوص تعداد سفارشات نبود، ولی فرایند کار همان چیزی است که در بازار واقعی اتفاق می افتد.

امیدوارم حالا درک بهتری از دلیل تشکیل چند سویینگ قبل از برگشت قیمت پیدا کرده باشید. حال باید نگاهی به دلیل تشکیل کف و سقفهای ایجاد شده در قیمت مشابه داشته باشیم.

### چرا کف و سقفها در قیمت مشابه تشکیل می شود؟

به زبان ساده تشکیل کف و سقفهای مشابه به دلیل این است که بانکها میخواهند اردرهای خود را طوری قرار دهند که درست شبیه قراردادان کل اردرها در یک قیمت باشد. اگر آنها سفارش کافی در جهت مخالف برای پر کردن اردرهای خود داشته باشند ترجیح می دهند تمامی سفارشاتشان را در یک زمان و در یک قیمت مشخص قرار دهند. اینکار مؤثرترین راه برای برگشت قیمت می باشد. ولی واقعیت این است که تقریباً هیچگاه امکان انجام چنین کاری نیست و این بدین معنی است که آنها باید راهی پیدا کنند که نه تنها بتوانند تمامی اردرهایشان را پرکنند بلکه اردرهایشان در قیمتهای نزدیک بهم پر شود بصورتی که تقریباً به شکل یک اردر واحد بنظر برسد. نکته مهم: بانکها می توانند همه اردرهای خود را حتی وقتی به تعداد کافی اردر مخالف در بازار نیست، قرار دهند. ولی اینکار باعث ایجاد پدیده ای بنام لغزش (slippage) می شود. لغزش وقتی بوجود می آید که ناگهان اردرهای بسیار زیادی به بازار وارد شود و این تعداد در آن لحظه بسیار بسیار بزرگتر از اردرهای مخالف موجود در بازار باشد.



برای مثال اگر تعداد ۱۰۰۰۰ اردر خرید وارد بازار شود و در همان لحظه شخصی ۱۰۰۰۰۰ اردر فروش قرار دهد، لغزش اتفاق می افتد. زیرا به تعداد کافی سفارش خرید برای ۱۰۰۰۰۰ اردر فروش در آن قیمت وجود ندارد. تعداد سفارش خرید موجود در بازار ۱۰۰۰۰ عدد است و این بدین معنی است که قیمت بصورت ناگهانی پایین رفته تا تعداد کافی خریدار برای ۹۰۰۰۰ اردر فروش باقیمانده پیدا شود. با پایین رفتن قیمت بسته های سفارش خرید جدید برای پر شدن ۹۰۰۰۰ اردر فروش باقیمانده وارد بازار میشود و کل ۱۰۰۰۰۰ اردر فروش پر می شود. البته بسیاری از معاملات در قیمت هایی انجام میگردد که بدتر از از قیمتی است که فروشنده مورد نظرش بوده است.

اگر شما می خواهید مطالب بیشتری در خصوص لغزش بدانید باید به مقاله "مقدمه ای بر ترید به روش جریان سفارشات" مراجعه کنید.

### خلاصه فصل:

در زیر خلاصه نکات مهم این فصل آورده شده است.

- الگوی ساختار برگشت یک الگوی قیمتی است که درست قبل از برگشت قیمت تشکیل می شود. این الگو میتواند در تمامی تایم فریمها تشکیل شود و در همه الگوها دو ویژگی مشترک وجود دارد. اولین ویژگی لزوم تشکیل چند سوینگ صعودی و نزولی است و دومین ویژگی تشکیل کف و سقفهای سوینگهای مذکور در قیمتهای مشابه می باشد.

نکته: تشکیل حداقل دو کف یا سقف در قیمت مشابه برای معتبر بودن الگو کافی است.

- دلیل تشکیل چندین سوینگ صعودی و نزولی در زمان تشکیل الگو به نحوه اردر گذاری بانکها برمیگردد. هیچگاه به تعداد کافی سفارش برای پر شدن اردرهای بانکها در بازار وجود ندارد، بنابراین آنها باید معاملات خود را در نقاط مختلفی که تعداد سفارش مورد نیاز وجود



دارد، قرار دهند. آنها با ایجاد موجهای بالا و پایین، سفارش جدید در بازار ایجاد می کنند و با وارد شدن معاملات جدید، بانکها می توانند سایر سفارشات خود را نیز پر کنند.

- کف و سقفهای ایجاد شده در قیمت های مشابه شکل می گیرد. زیرا بانکها سعی می کنند طوری سفارشاتشان را قرار دهند که برآیند آن در نهایت مثل یک ترید بزرگ در یک قیمت واحد باشد. اگر آنها می توانستند تمام اردرهای خود را در یک نقطه پر کنند این کار را انجام میدادند، ولی بدلیل ناممکن بودن این موضوع آنها بهترین کار ممکن را انجام می دهند، و سعی می کنند که اردرهایشان را در نقاط مختلف ولی در قیمت های مشابه پر کنند که در نهایت مثل این است که آنها همه اردرهای خود را در یک نقطه پر کرده باشند. (البته با مقدار بسیار کمی اختلاف در قیمت)

# TRIGGER



## کجا باید بدنبال تشکیل الگو باشیم؟

در این فصل قصد داریم مکانهای تشکیل این الگو را به شما نشان دهیم. اگر چه این الگو در همه جا امکان تشکیل دارد، ولی در بعضی جاها شانس موفقیت بیشتری دارد و شما برای داشتن تریدهایی موفق می بایست در این جاها به دنبال تشکیل الگو باشید. قبل از شروع بسیار مهم است که بدانید دو نوع الگوی ساختار برگشت در بازار وجود دارد. اولین نوع در جهت روند موجود تشکیل، و باعث ادامه روند می گردد. (روند بر اساس تعریف کلاسیک کف و سقفهای بالاتر یا پایین تر تعیین میگردد) و دومین نوع الگو بر خلاف روند فعلی تشکیل شده و باعث برگشت روند می شود.

این دو نوع الگو اگر چه می تواند در اطراف اعداد روند تشکیل گردد، ولی ممکن است در هر کجای روند اتفاق بیفتد. برای مثال الگوی تشکیل شده مخالف روند موجود می تواند درست بعد از برگشت قیمت تشکیل شود و یا پس از گذشت زمان زیادی از برگشت قیمت شکل بگیرد. این اختلاف ممکن است به نظر ناچیز بیاید، ولی تأثیر آن در میزان موفقیت الگو بسیار زیاد است. بنابراین دانستن مکانهای تشکیل هر کدام از انواع الگوها در بازار بسیار ضروری است. در ادامه نگاهی به محل تشکیل الگوهای بازگشت با احتمال موفقیت بالاتر خواهیم داشت.

### الگوهایی که بر خلاف روند تشکیل می گردد

الگوهایی که بر خلاف روند تشکیل می شود، درست پس از تغییر در روند شروع به شکل گیری می کند. بیشتر الگوها باعث ایجاد اصلاح کوچکی در قیمت می شود ولی برخی بدون ایجاد هیچ حرکت خلاف روندی تشکیل می گردد. این نوع الگوها مناسب ترید کردن نیست. اگر چه ممکن است بتوان سودهای کمی از این نوع الگوها که باعث ایجاد اصلاحهای کوچک می شوند بدست آورد ولی ترید کردن در این نوع الگوها بسیار مشکل است.

ترید کردن بر روی الگوهای با احتمال موفقیت بالا که باعث ایجاد برگشتهای و یا اصلاحهای بزرگ قیمت می شوند بسیار آسانتر است، زیرا ترید کردن بر روی این الگوها منجر به سودهای بزرگ





می شود. اینگونه الگوها تنها زمانی شکل می گیرد که روند برای مدت زمان زیادی طول کشیده باشد. دلیل این موضوع ماهیت بازی جمع صفر بازار فارکس است. در این بازی بدست آوردن پول فقط در صورتی ممکن است که یک نفر دیگر پول از دست بدهد.

البته سؤال اینجاست که چگونه متوجه شویم چه زمانی تعداد زیادی از تریدرها برای بدست آوردن پول وارد پوزیشن شده اند؟. جواب این سؤال در شکل روند می باشد. روند مفهومی است که بیشتر تریدرها برای تشخیص جهت حرکت آینده بازار استفاده می کنند. یک مفهوم اشتباه که بسیاری از تریدرها به آن باور دارند این است که هر چقدر روند بیشتر طول کشیده باشد احتمال آنکه در آینده نیز ادامه پیدا کند بیشتر است. این بدین معنی است که با طول کشیدن روند تعداد بیشتری از تریدرها در حال ورود به بازار هستند.

وقتی برگشت اولیه شکل می گیرد و ابتدای تغییر روند هستیم، بیشتر مردم از اینکه روند جدیدی شروع شده است آگاه نیستند. آنها فکر می کنند که این یک اصلاح نسبت به روند گذشته است و بازار دوباره در جهت قبلی شروع به حرکت می کند. وقتی بازار حرکت بزرگی را در جهت خلاف حرکت قبلی انجام می دهد، مردم کم کم متوجه تغییر روند میشوند و شروع به ترید کردن در جهت روند جدید می کنند. در ابتدای شروع حرکت جدید، تعداد کمی وارد پوزیشن می شوند ولی با گذشت زمان و حرکت بیشتر بازار، تعداد بیشتری وارد می شوند. زیرا به غلط باور دارند که هرچقدر روند ادامه پیدا کند پس احتمال اینکه باز هم در همین جهت حرکت کند بیشتر است.

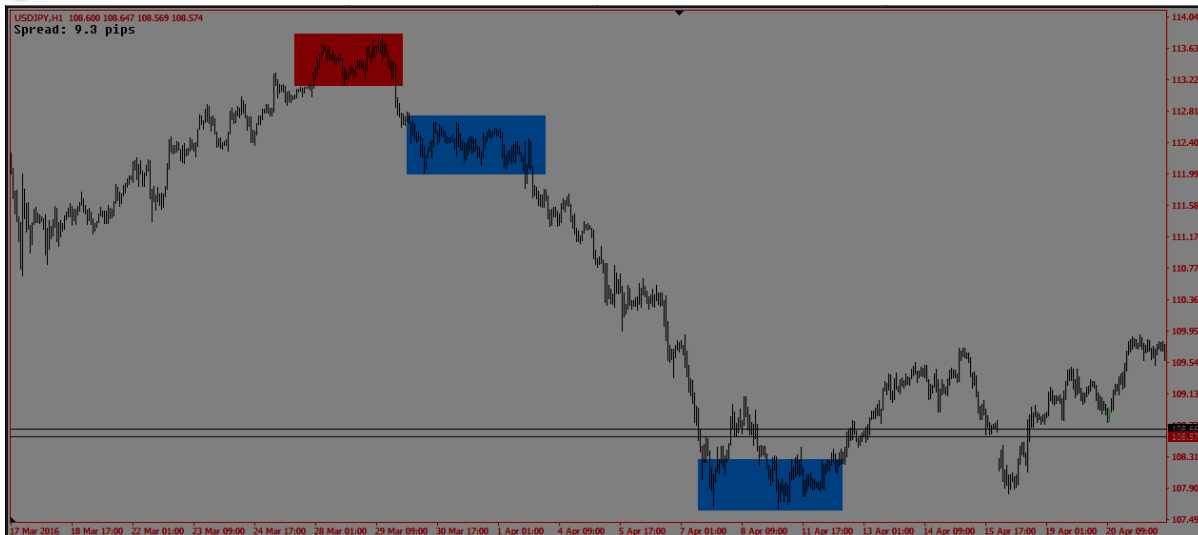
در نهایت به نقطه ای می رسیم که بازار برای مدت زیادی در یک جهت حرکت کرده است و بیشتر تریدرهای خرد به قصد سود کردن و با ذهنیت ادامه روند وارد بازار شده اند. این نقطه جایی است که بانک ها باعث حرکت بازار در جهت مخالف روند می شوند. زیرا اگر همه تریدرها در جهت روند بازار وارد شده باشند، بانکها دیگر نمی توانند از ادامه روند سود ببرند. به این دلیل که دیگر کسی وجود ندارد تا بانکها بتوانند با ضرر کردنش سود ببرند.



بانکها از دو روش برای ایجاد حرکت در خلاف جهت روند استفاده می کنند. اولین روش برگرداندن کامل روند با قرار دادن اردرهای جدید در بازار است. روش دوم با برداشت مقدار زیادی از سود پوزیشنهای قبلی انجام می گردد که باعث اصلاح زیاد قیمت می شود. در زمان برداشت سود اساساً همان اتفاقی می افتد که در زمان ورود اردرهای جدید انجام می شود. با این تفاوت که در زمان برداشت سود میزان اصلاح قیمت کمتر از زمانی است که بانکها وارد پوزیشنهای جدید می شوند.

در زمان اصلاح بزرگ قیمت، تریدرهای خرد به اشتباه فکر می کنند که روند جدید شروع شده است و شروع به قراردادن پوزیشنهای خود در جهت حرکت جدید می نمایند، که این موضوع باعث می شود بانکها بتوانند اردرهای خود را در جهت ادامه روند قبلی پر کنند. نهایتاً با پر شدن اردرهای بانک اصلاح به پایان می رسد و روند قبلی دوباره ادامه پیدا می کند.

در این حالت تریدرهایی که به گمان اتمام روند در زمان اصلاح وارد پوزیشن شده بودند، مجبور می شوند با ضرر خارج شوند. فعال شدن استاپ این تریدرها باعث تقویت حرکت در جهت روند قبلی شده و سود دوباره بانکها را در پی دارد. اینکه بانکها قصد دارند با برگشت قیمت و یا اصلاح روند از بازار سود بگیرند موضوع مهمی نیست. موضوع مهم این است که در هر دو حالت معمولاً الگوی ساختار برگشت شکل میگیرد.. اینها الگوهایی است که شما باید بدنبال شکل گیری آنها در بازار باشید، زیرا شانس زیادی برای موفقیت دارند. این الگوها تنها در زمانی که بانکها تصمیم به برگشت و یا اصلاح بزرگ قیمت می گیرند، تشکیل می شود، که مقارن با زمانی است که روند برای مدت زمان زیادی طول کشیده است.



اگر به موج نزولی USD/JPY نگاه کنید، دو الگوی برگشت صعودی ایجاد شده است. (کادر آبی رنگ) الگویی که باعث اصلاح بزرگ قیمت می شود، فقط زمانی شکل می گیرد که بازار مقدار زیادی نزول کرده باشد. (الگوی دوم آبی رنگ) در صورتی که الگوی شکل گرفته پس از برگشت روند، باعث برگشت صعودی قیمت نشده است. (الگوی اول آبی رنگ) به دلیل اینکه در ابتدا عموم مردم متوجه تغییر روند نشده اند، پس بانکها نیازی به ایجاد برگشت یا اصلاح بزرگ ندارند. زیرا هنوز تعداد زیادی از تریدرها در جهت روند قبلی وارد پوزیشن خرید می شوند. ولی با گذشت زمان وقتی در قسمت پایین چارت این الگو تشکیل می گردد، قیمت مقدار زیادی ریزش کرده است و بسیاری از مردم متوجه تغییر روند شده و وارد پوزیشنهای فروش شده اند. به این امید که قیمت کفهای پایینتری را بسازد. این نقطه جایی است که بانکها پوزیشنهای فروش خود را می بندند و اینکار باعث تغییر جهت حرکت بازار می شود. در این مرحله تریدرهای خرد با دیدن حرکت صعودی شروع به خرید می کنند و بانک فرصت پرکردن اردرهای فروش جدید را پیدا می کند. نکته اصلی که من قصد انتقال آن را دارم این است که شما باید الگوهای برگشت تشکیل شده بعد از روندهای طولانی مدت را پیدا کرده و روی آن ترید کنید. زیرا این الگوها زمانی تشکیل میشود که بانک ها قصد برگشت دادن قیمت را دارند. این برگشت قیمت توسط بانکها بدلیل وجود تعداد زیاد پوزیشنهای باز تریدرهای خرد در این مرحله از روند است، و به خاطر برداشت سود از



پوزیشنهای قبلی نیست. این موضوع باعث ایجاد الگوی ساختار برگشت در لحظه شکل گیری تغییر روند می شود.

البته مشکل اصلی در پیدا کردن این الگو این است که هر تریدری یک دیدگاه متفاوت در مورد طولانی شدن مدت زمان ادامه روند دارد. برای مثال ممکن است دو تریدری که دقیقاً در یک تایم فریم کار می کنند، دیدگاههای متفاوتی در مورد طولانی شدن روند داشته باشند. ممکن است یک تریدر فکر کند که اگر روند برای مدت ۶ روز ادامه پیدا کرده باشد، پس دیگر باید منتظر تغییر روند باشد، ولی دیگری همین ایده را پس از ۶ هفته داشته باشد. متأسفانه امکان تعیین زمان دقیق برای اینکه بتوان صفت طولانی مدت را به یک روند اطلاق کرد، وجود ندارد، زیرا تمامی روندهای ایجاد شده در بازار با همدیگر متفاوت اند. برخی واقعا بزرگ و دارای اصلاحهای زیاد و برخی ممکن است کوچک و فقط دارای تثبیت هایی (CONSOLIDATION) باشد. اگرچه شما نمی توانید زمان دقیقی برای ادامه روند پیدا کنید، ولی با یک روش میتوان این مشکل را قدری مدیریت کرد. با یک شاخص میتوان تقریباً متوجه طولانی شدن زمان روند شویم. این روش در عین ساده بودن کمی هم غیر معمول است. به همین خاطر من یک مقاله مجزا جهت معرفی این روش تهیه کرده ام که در مقاله ی دیگری با نام "چگونگی تشخیص برگشتها" آورده شده است.

### الگوهایی که در جهت روند تشکیل می شود

مانند الگوهای تشکیل شده در خلاف جهت روند، این نوع الگوهای در جهت روند نیز در دو محل مختلف تشکیل می شوند. آنها می توانند در طی تشکیل اصلاح، شکل گرفته و باعث به پایان رسیدن اصلاح شوند و یا بدون ایجاد هیچگونه اصلاحی شکل بگیرند. نوعی از الگو که ما باید به دنبال شکل گیری آن باشیم، نوع اولی است که در انتهای اصلاحها ایجاد می شود. احتمال موفقیت الگوی نوع اول بیشتر از نوع دوم است. زیرا تشکیل الگوی نوع اول، نتیجه اردرگذاری بانکها برای برگرداندن روند است.

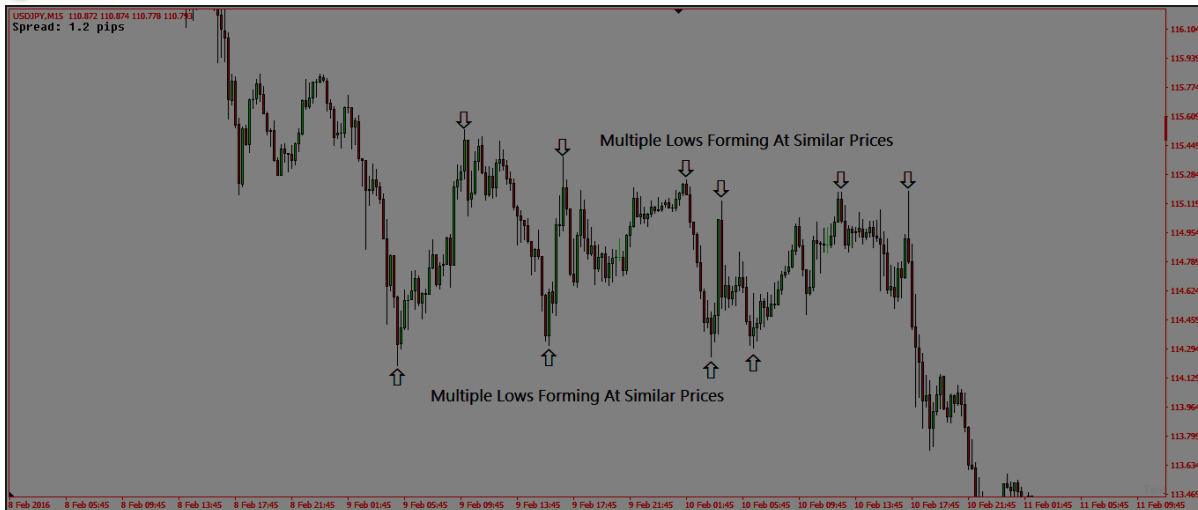




بیشتر الگوهای تشکیل شده بدون اصلاح نیز بخاطر اردر گذاری بانکها ایجاد می شود ولی مشکل اینجاست که در زمان شکل گیری الگو، تشخیص اینکه بانکها در حال اردر گذاری جدید هستند و یا اینکه تشکیل الگو بخاطر برداشت سود بوده، بسیار مشکل است. این مشکل در مورد الگوهای تشکیل شده در پایان اصلاحها وجود ندارد، زیرا آنها عموماً بخاطر اردر گذاری بانکها تشکیل میشوند. انواعی نیز که بخاطر برداشت سود ایجاد میشوند مشکل زیادی ایجاد نمی کند، زیرا حتی آنها هم باعث مقداری برگشت قیمت می شوند. پس با گذشت زمان که تشکیل این الگوها مراحل پایانی خود را طی می کند، می بایست از ترندهای خود خارج شوید و یا حداقل پوزیشن خود را ریسک فری نمایید.



اینجا یک مثال از الگویی که باعث پایان اصلاح در تایم ۱۵ دقیقه AUD/USD شده نشان داده شده است. شما میتوانید ببینید که این الگو نیز دارای همان ویژگیهای الگوی خلاف جهت روند می باشد. این الگو دارای چندین سوینگ صعودی و نزولی در زمان تشکیل است و سقفهای ایجاد شده در قیمتهای مشابهی شکل گرفته است. حال نگاهی به الگوی تشکیل شده بدون اصلاح می اندازیم.



اینجا یک الگوی تشکیل شده در جهت روند و بدون اصلاح شکل گرفته است. همانطور که در شکل می بینید این الگو نیز همان ویژگیهای قبلی را دارد. مشکل اصلی در این حالت تشخیص علت شکل گیری الگو است. در حال حاضر می دانیم که این الگو بخاطر برداشت سود بانکهها بوده است. ولی در زمان تشکیل الگو و بصورت لایو تشخیص این موضوع بسیار مشکل است.

## خلاصه فصل

- دو نوع الگوی ساختار برگشت در بازار تشکیل می شود. اولی در جهت روند ایجاد شده و باعث ادامه حرکت قبلی می شود و دیگری در جهت خلاف روند تشکیل گردیده و باعث ایجاد برگشت روند و یا اصلاح عمیق میگردد.
- شما باید تنها الگوهای خلاف روندی را ترید کنید که پس از روندهای طولانی مدت تشکیل می شود. زیرا تنها در این مواقع است که بانکهها اقدام به تغییر جهت روند و یا ایجاد اصلاح عمیق می کنند.
- الگوی در جهت روند نیز می باید در صورت تشکیل در انتهای اصلاح، ترید شود. الگوی تشکیل شده بدون اصلاح را بدلیل پایین بودن احتمال موفقیت نادیده بگیرید.



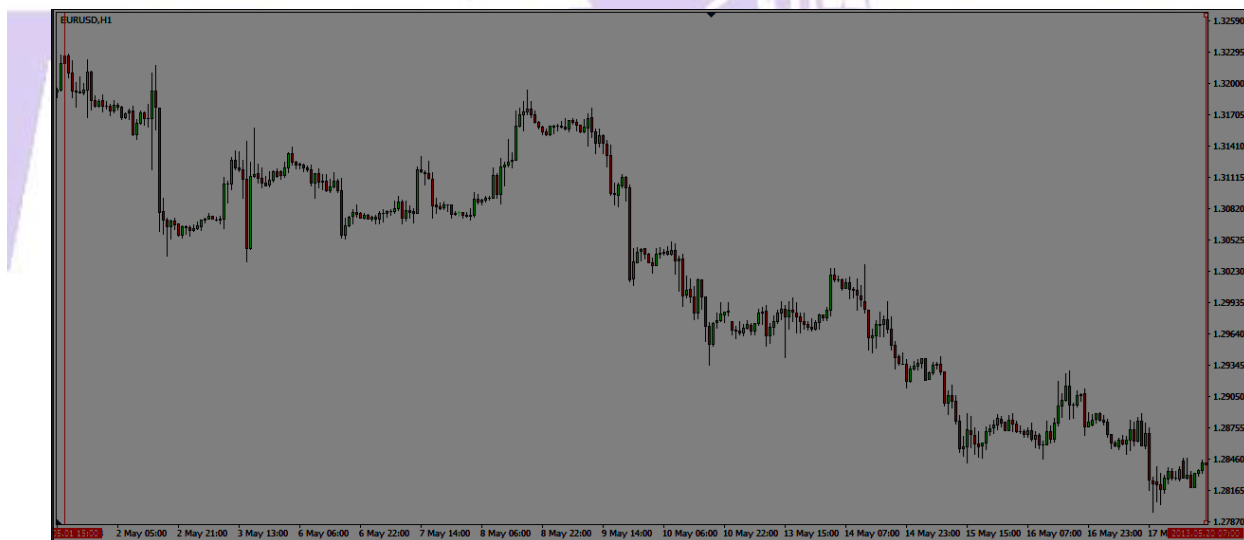
## چگونه باید در الگوی ساختار برگشت ترید کرد؟

حال که با مکانهای تشکیل انواع الگو آشنا شدید، قصد دارم با چند مثال روش ترید بر روی این الگوها را به شما نشان دهم. بطور کلی روش ترید بر روی این الگو بسیار ساده است، اگرچه ممکن است در برخی موارد نیز پیدا کردن سیگنال ورود کمی غیر معمول باشد.

برخی از گامهای ترید بر روی الگوهای موافق و مخالف روند با هم متفاوت است، به همین خاطر این بخش به دو قسمت تقسیم شده است و در هر قسمت بصورت مجزا روش ترید بر روی الگوهای موافق و مخالف روند تشریح گردیده است.

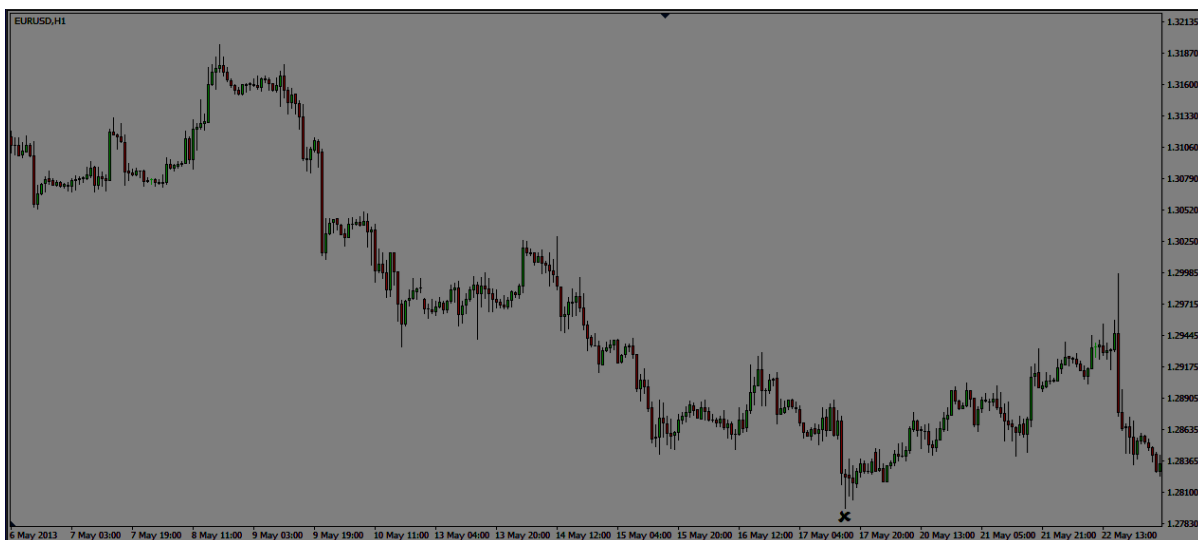
## چگونه بر روی الگوهای مخالف روند ترید کنیم؟

اولین گام در ترید بر روی این الگو این است که صبر کنیم تا روند برای مدت زمان زیادی ادامه یابد. زیرا در این زمان است که بانکها تمایل به ایجاد برگشت روند و یا اصلاح عمیق دارند، تا بتوانند به روند پولسازی خود از بازار ادامه دهند.



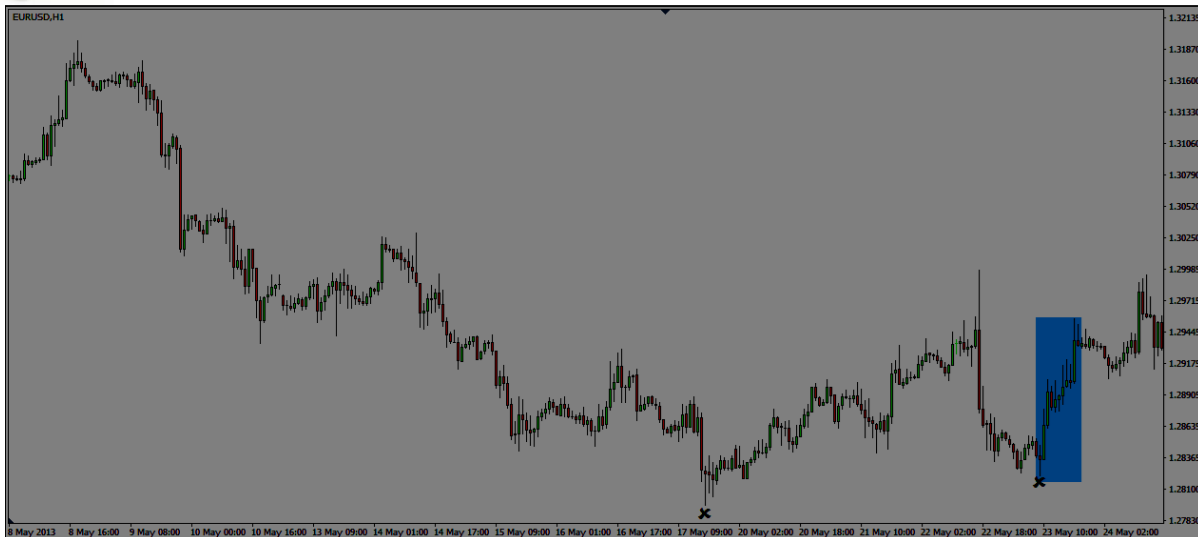


اینجا یک تصویر از حرکت ریزشی یورو دلار که مدت زیادی طول کشیده است، را مشاهده میکنید. پس در اینجا می توانیم بدنبال نشانه هایی از الگوی ساختار برگشت از نوع مخالف روند باشیم.



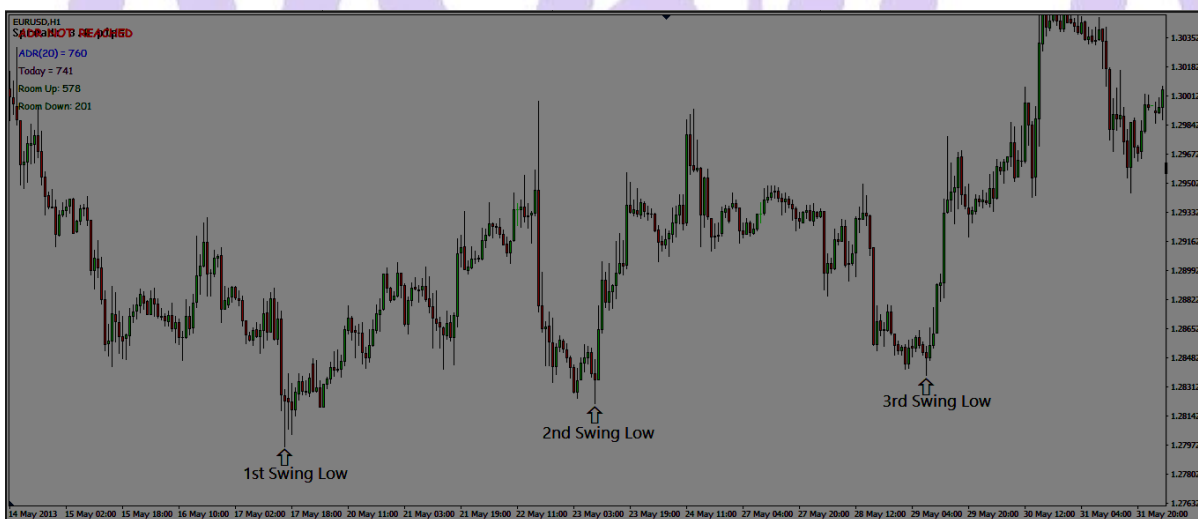
اگر چارت را اندکی به راست ببریم، شما میتوانید یک حرکت صعودی را مشاهده کنید که از زمان شروع ریزش قیمت تا کنون، بزرگتر از بقیه بوده است. این موج بزرگ صعودی ایجاد شده به تنهایی دارای اهمیت نیست ولی اگر بعد از برگشت قیمت به محلی که با یک "X" مشخص شده، دوباره یک سویینگ صعودی جدید ایجاد شود، می تواند نشانه ای برای تشکیل الگو باشد. پس وقتی موج صعودی اول به سمت کف "X" بر می گردد، می بایست نمودار را رصد کنیم تا در صورت تشکیل موج صعودی دوم، بدنبال شکل گیری الگوی ساختار برگشت باشیم.





همانطور که در شکل مشاهده می کنید، موج نزولی ایجاد شده از سقف اولین صعود، نتوانست کف اول را بشکند و در فاصله ۲۳ پیپی آن متوقف شده است. این نقطه جایی است که ما باید بازار را زیر نظر داشته باشیم. زیرا شواهد ایجاد الگو در حال شکل گیری است. بدین معنی که ممکن است قیمت از محل دوم مشخص شده با "X" حرکت صعودی خود را آغاز کند.

در این مثال می بینید که ریزش دوم منتهی به کف دوم تمام شده و قیمت حرکت صعودی جدیدی را آغاز نموده است. ممکن است ساختار الگوهای دیگر با این مثال متفاوت باشد و احتمال دارد که قیمت قبل از شروع حرکت اصلی، کف دوم را نیز بزند و یا تعداد بیشتری کف بسازد.



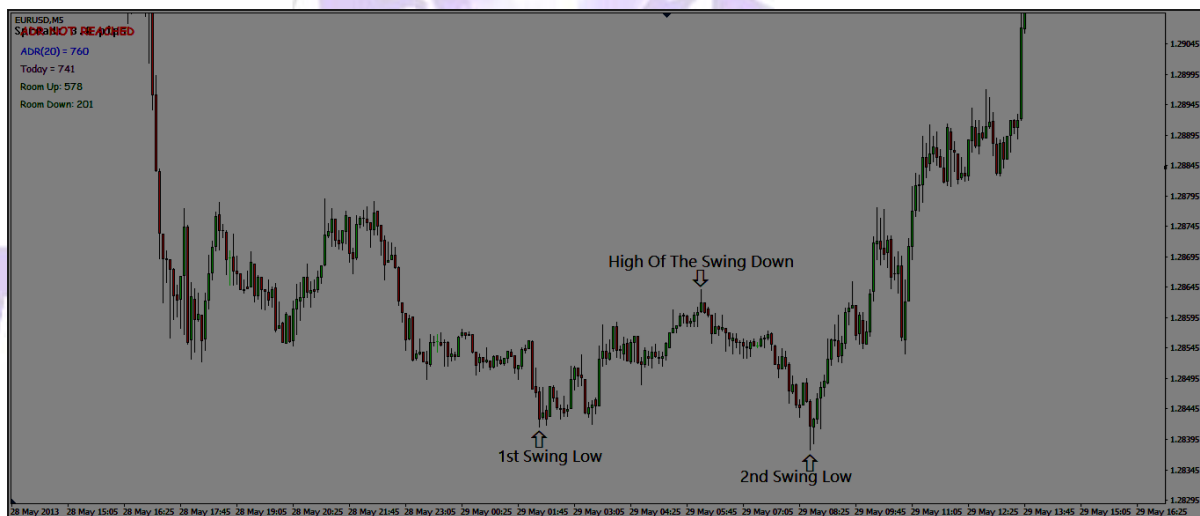
تریگر پرایس اکشن TRIGGER





در این مثال قیمت در کف سوم متوقف شده است. تشخیص اینکه چه موقع قیمت ممکن است کف های قبلی را بزند و یا کدامیک از کفها ممکن است زده شود، ممکن نیست. البته با روش ارایه شده برای ترید این الگو، موضوع مهمی هم نیست.

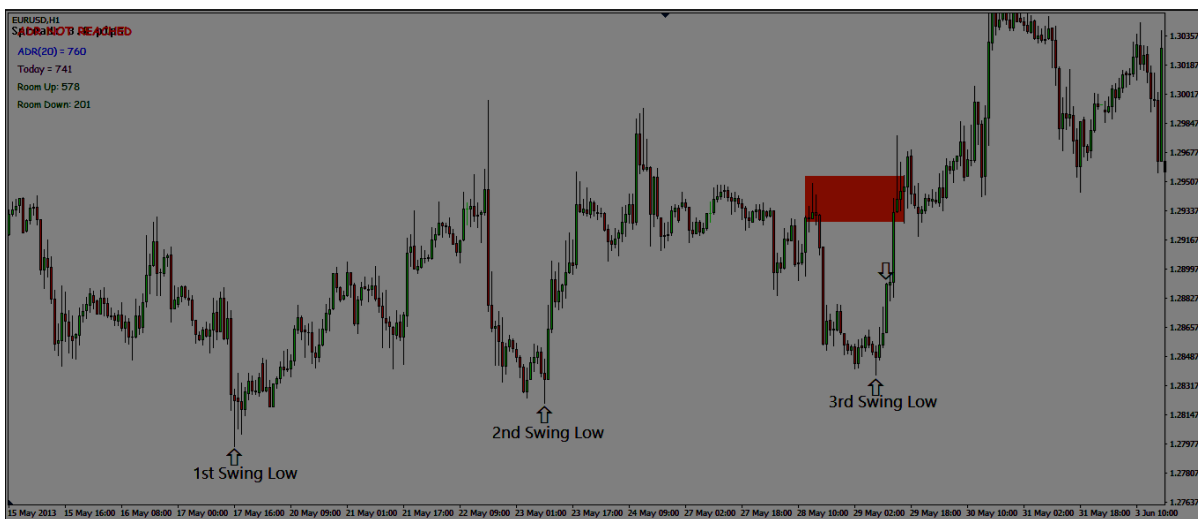
وقتی قیمت به شروع حرکت صعودی دوم (کف دوم) نزدیک شد، می بایست به تایم ۵ دقیقه رفته و در آنجا منتظر تشکیل یک الگوی کوچکتر باشیم. دلیل رفتن به تایم پایینتر، قبلاً در همین کتاب و در مبحث فراکتال بودن الگو، توضیح داده شده است. بنابراین برای تشخیص اینکه آیا کف سوم تشکیل خواهد شد یا نه؟ کفایست به تایم ۵ دقیقه رفته و منتظر تشکیل همین الگو در نزدیکی کف دوم باشیم. زیرا قبلاً هم گفتیم که کفهای تشکیل شده در این الگو باید در قیمت‌های مشابه شکل بگیرد.



در شکل بالا میتوان ساختار الگوی برگشت ایجاد شده در تایم ۵ دقیقه را در نزدیکی کف دوم تایم یک ساعته مشاهده کرد. این الگو ممکن است در ظاهر کمی متفاوت با الگوی تایم یک ساعته باشد، ولی همه ویژگیهای الگوی تایم یک ساعته را دارد. در این تایم هم دو موج صعودی با کفهای نزدیک بهم داریم. (در تایم یکساعته ۳ موج داشتیم) و هر کدام از موجها بزرگ و مشخص هستند. تشکیل الگو در تایم ۵ دقیقه نشانه ای از احتمال تشکیل کف سوم در تایم یک ساعته است. البته



برای تأیید باید منتظر بسته شدن حداقل یک کندل بالای سقف موج نزولی دوم در تایم ۵ دقیقه باشیم. پس با بسته شدن یک کندل در بالای سقف موج نزولی دوم، وارد پوزیشن خرید شده و استاپ لاس را زیر کف دوم قرار میدهیم.



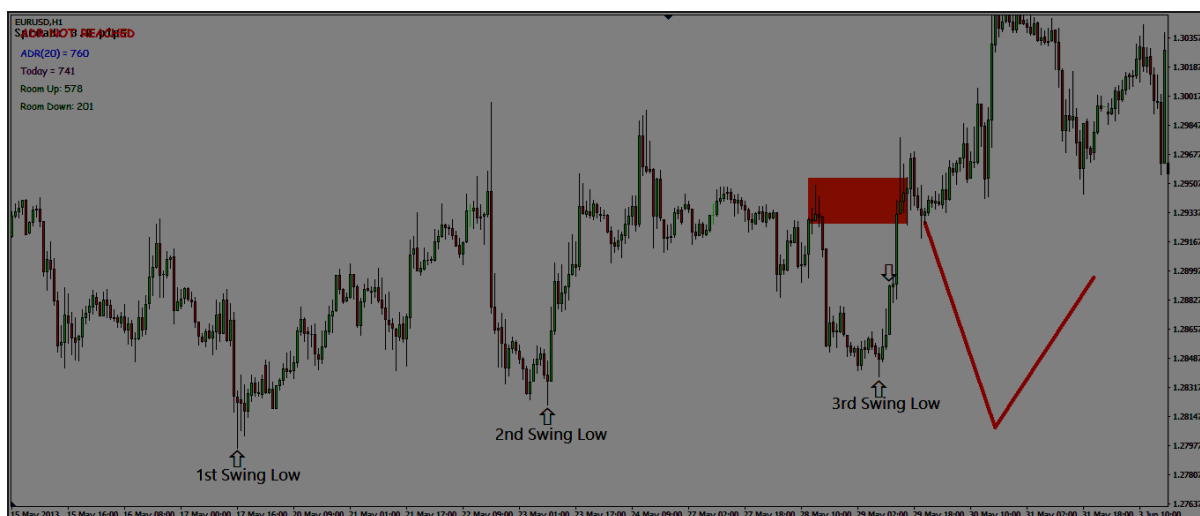
پس از گرفتن پوزیشن و قرار دادن استاپ لاس باید به تایم یک ساعته برگردیم و منتظر رسیدن قیمت به منشاء حرکت موج نزولی سوم باشیم (کادر قرمز) وقتی قیمت به این ناحیه قرمز رنگ رسید شما باید حرکات قیمت را زیر نظر داشته باشید زیرا اگر قرار باشد موج نزولی دیگری تشکیل شود احتمالاً از این منطقه شروع خواهد شد.

تبصره: اگر یک موج نزولی تشکیل گردید ولی در تایم پایین الگوی مذکور تشکیل نشد می توان با مشاهده اولین کندل قوی صعودی پس از تشکیل کف وارد بازار شد. در تصویر فوق این کندل صعودی با علامت فلش مشخص شده است. این کندلی است که در صورت عدم تشکیل الگو در تایم پایین می توان با آن وارد خرید شد زیرا با مشاهده این کندل احتمالاً موج نزولی آخر تثبیت شده است.

همچنین در یک الگوی صعودی اگر در تایم پایین الگوی مورد نظر تشکیل نشد می توان با دیدن کندل نزولی قوی وارد بازار شد.



اگر یک موج نزولی دیگر نیز تشکیل شد ممکن است استاپ شما را بزند در این صورت نگران نباشید زیرا این علامت فیل شدن الگو نیست و فقط نشانه این است که احتمالاً موج چهارم نزولی در حال شکل گیری است.



این تصویر مثالی از حرکت فرضی ریزش دوباره قیمت پس از رسیدن به منشأ حرکت نزولی آخر است.

اگر بازار پس از رسیدن به منشأ حرکت نزولی آخر (کادر قرمز) ریزش کرد و به محدوده کف دوم و سوم نزدیک شد می بایست دوباره به تایم پنج دقیقه رفته و همان مراحل جهت ورود به بازار را انجام دهیم.

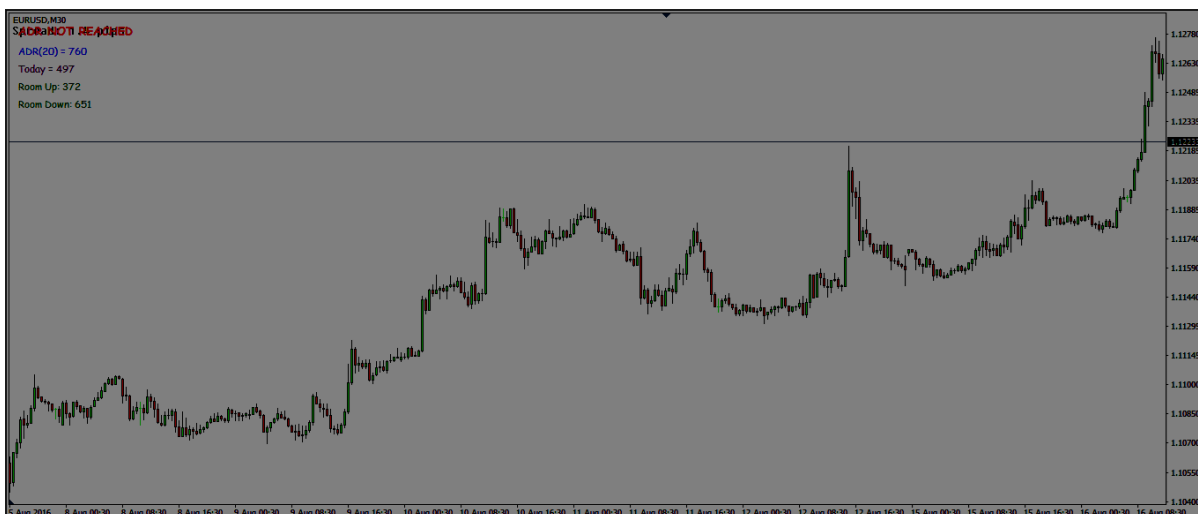
می توان پس از رسیدن به قیمت به منشأ حرکت نزولی آخر (کادر قرمز رنگ در پوزیشن اول) پوزیشن را ریسک فری نمود تا در صورت بازگشت قیمت متضرر نشویم.

حالا که فرایند تشکیل الگوی مخالف روند برای خرید در بازار با یک مثال تشریح شد می خواهیم یک مثال از الگوی تشکیل شده برای فروش را شرح دهیم تا متوجه شوید که تفاوتی در جزییات کار وجود ندارد.



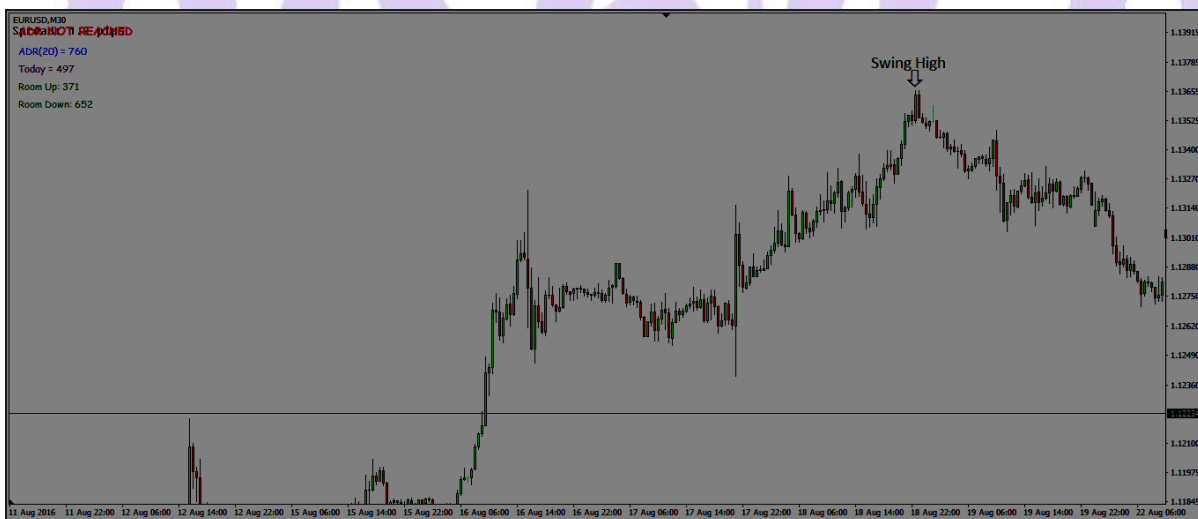


درست مانند مثال قبلی درگام اول باید مطمئن شویم که روند برای مدت زیادی طول کشیده است زیرا طول کشیدن روند بدین معنی است که بانک ها ممکن است قصد برگشت دادن قیمت و یا ایجاد اصلاح عمیق را داشته باشند.



تصویر فوق یک روند صعودی در تایم نیم ساعته در eur/usd را نشان می دهد.

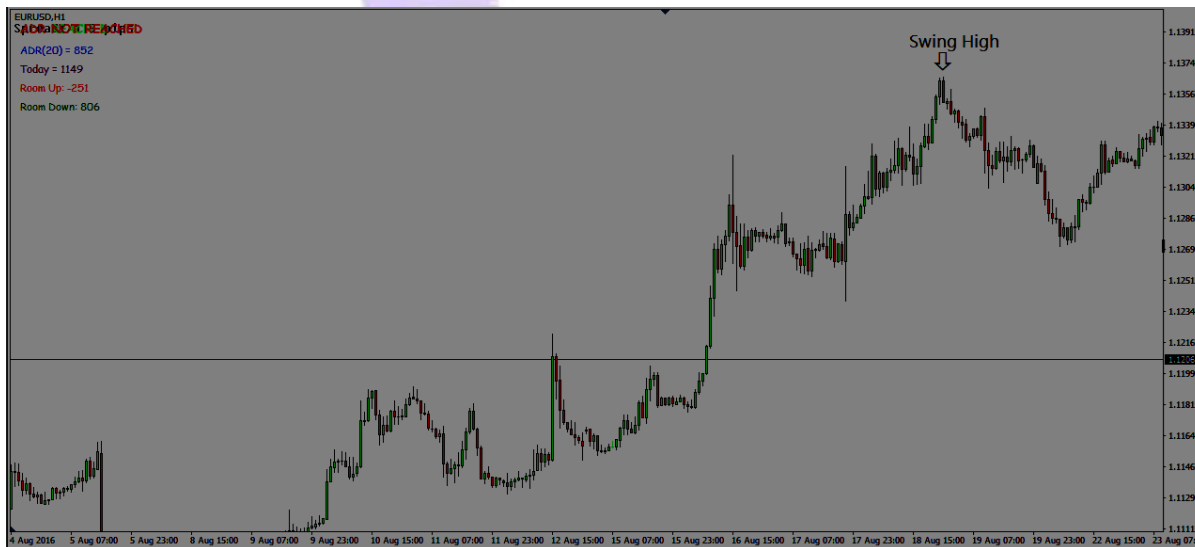
همان طور که مشاهده میکنید روند صعودی برای مدت زیادی ادامه پیدا کرده است بنابراین احتمال تشکیل الگوی برگشتی وجود دارد زیرا بانک ها دیگر نمی توانند از تریدهای خود سود به دست آورند مگر اینکه یک برگشت کلی و یا یک اصلاح عمیق ایجاد کنند.



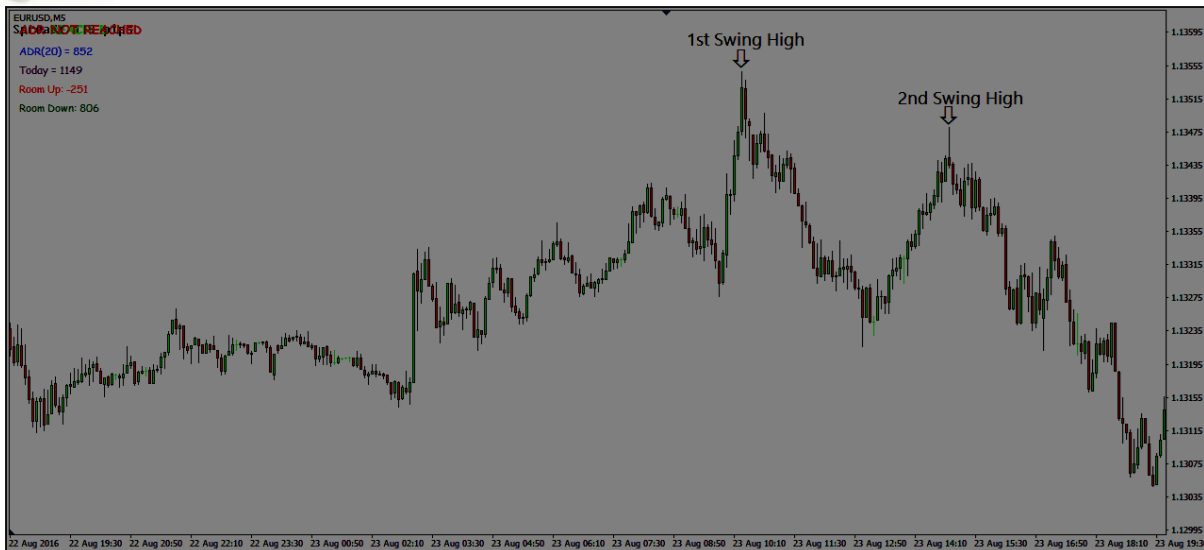
تریگر پرایس اکشن TRIGGER



در این تصویر شما می توانید ببینید که درست پس از های موجود در شکل اول بازار ریزش کرده و یک سقف تشکیل داده است. تشکیل این موج نزولی و سقف در زمان تشکیل به تنهایی کارایی ندارد ولی در صورت تشکیل یک سقف دیگر در نزدیکی آن میتواند نشانه اولیه ای از ایجاد الگو باشد.



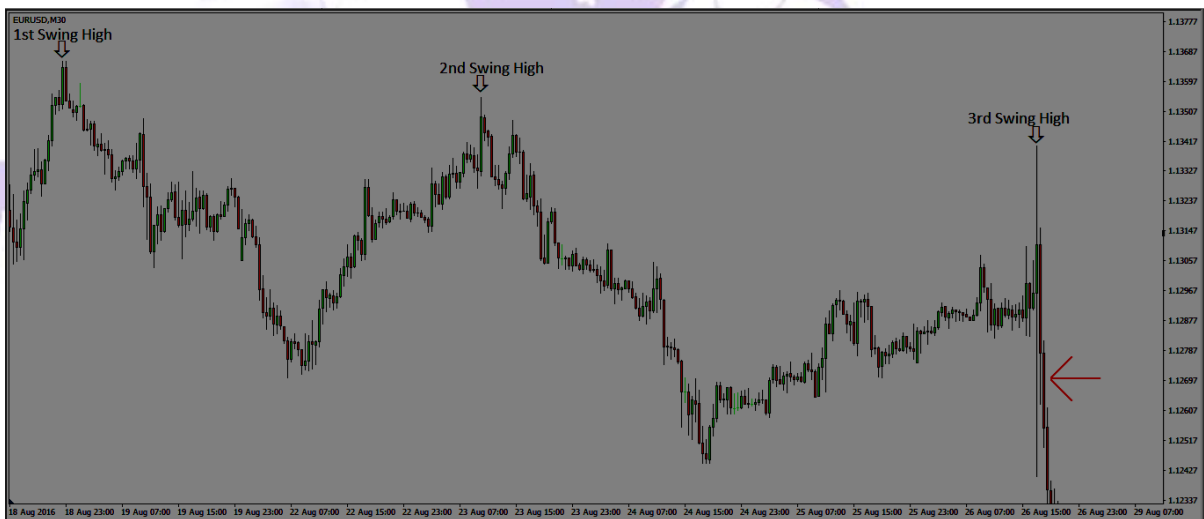
وقتی قیمت به محدوده سقف اول بر میگردد می بایست منتظر تشکیل موج نزولی دوم باشیم و این میتواند تأیید بیشتری بر احتمال تشکیل الگو باشد. شما می توانید برای تصمیم گیری به تایم پایین تر رفته و در نزدیکی سقف اول به دنبال الگوی برگشتی باشید. تشکیل الگو در تایم پایین نشانه احتمال شروع موج نزولی دوم است.



اگر به شکل بالا نگاه کنید الگوی مذکور در نزدیکی سقف اول تایم نیم ساعته تشکیل شده است. این الگوی شکل گرفته در تایم پایین نشانه شروع تشکیل موج نزولی دوم است. البته می توانید از این اطلاعات برای گرفتن پوزیشن فروش زود هنگام استفاده کنید. با اینکار شما اقدام به ترید با موفقیت کمتر نموده اید نه به خاطر اینکه ترید مذکور به خودی خود احتمال موفقیت کمی دارد، بلکه به این خاطر که احتمال شکست کف اول ایجاد شده در تایم نیم ساعته در این مرحله کم است. اگر شما تصمیم به ترید در این مرحله را دارید، می بایست با بسته شدن کندل در زیر کف موج صعودی دوم (در تایم پایین) وارد بازار شوید که تأییدی بر شروع تشکیل موج نزولی دوم در تایم بالاتر است. در این حالت استاپ لاس باید بالای سقف دوم در تایم پنج دقیقه قرار داده شود و با نزدیک شدن قیمت به کف اول در تایم نیم ساعته می بایست پوزیشن فروش ریسک فری گردد. حال فرض کنید شما از الگوی تشکیل شده در تایم پنج دقیقه برای ورود استفاده نکرده باشید. در این مرحله باید پس از تشکیل موج نزولی دوم منتظر شروع یک حرکت صعودی باشید.



در این مثال می توانید ببینید که موج نزولی دوم رو به اتمام بوده و حرکت صعودی در حال شکل گیری است. با نزدیک شدن قیمت به سقف دوم باید به تایم پنج دقیقه رفته و منتظر تشکیل الگو جهت ورود باشیم.



در این مثال متأسفانه با اینکه سقف سوم در نزدیکی سقف دوم تشکیل شده است ولی الگوی مذکور در تایم پایین تشکیل نشده است.

در بیشتر موارد مشکل بزرگی در این خصوص وجود ندارد زیرا می توانید پس از تشکیل سقف سوم در تایم نیم ساعته وارد پوزیشن فروش شوید. در این مثال پس از سقف سوم یک حرکت

تریگر پرایس اکشن TRIGGER







اسپایک بزرگ شکل گرفته که خود تاییدی بر شکل گرفتن سقف سوم می باشد. (کندل نشان داده شده با فلش قرمز رنگ) در این مرحله بازار ۹۲ پیپ ریزش کرده است.

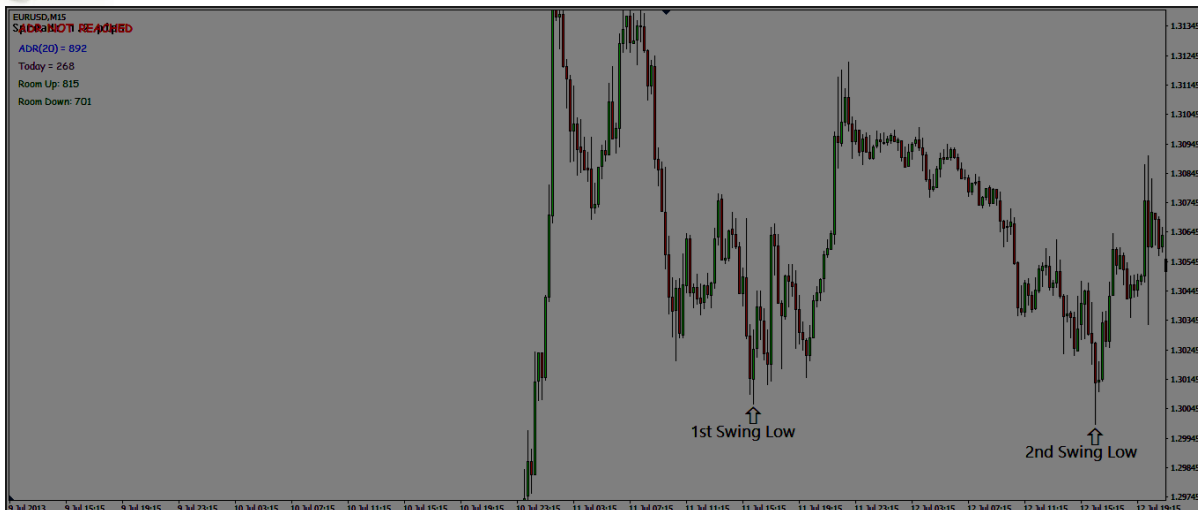
با تشکیل این کندل نزولی قوی می توان وارد ترید شد ولی در اینجا میزان استاپ لاس ما بسیار بزرگ خواهد بود و ارزش ریسک کردن ندارد.

### چگونه در الگوهای تشکیل شده در جهت روند ترید کنیم؟

در اینجا قصد دارم چگونگی ترید بر روی الگوهای تشکیل شده در جهت روند را تشریح کنم. به علت شباهت زیاد این نوع با انواع قبلی توضیح آن خیلی زمان بر نیست.

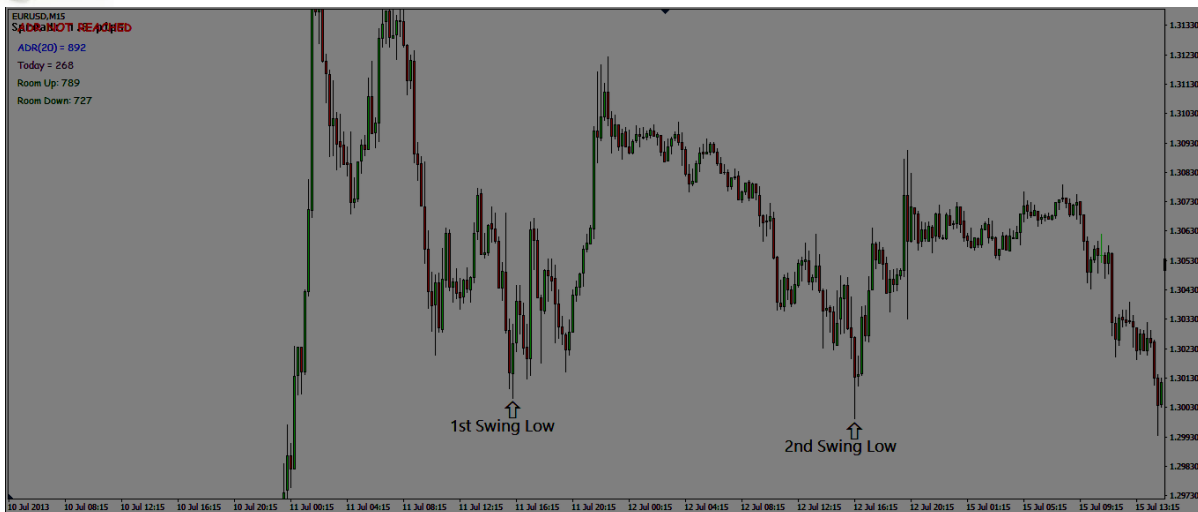


در این تصویر اصلاح ایجاد شده در تایم ۱۵ دقیقه EUR/USD را مشاهده می کنید. در این لحظه یک موج نزولی تشکیل شده است و مانند آنچه در مثال های قبلی گفته شد این موج نزولی به تنهایی نمی تواند خیلی مفید باشد.



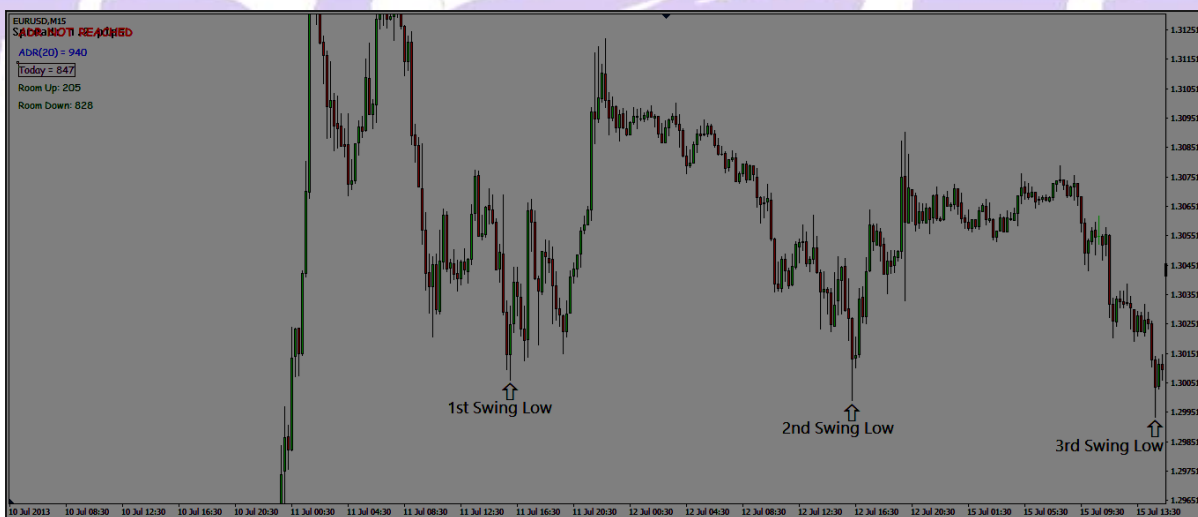
ولی در ادامه یک موج نزولی دیگر تشکیل شده است که انتهای آن در نزدیکی کف اول ایجاد شده می باشد. تشکیل موج نزولی دوم می تواند نشانه ای برای شکل گیری الگوی ساختار برگشت باشد. در این مرحله شما می توانید یکی از این دو کار را انجام دهید، یا اینکه منتظر تشکیل امواج بیشتری برای تأیید باشید و یا تصمیم به ورود زود هنگام بگیرید. بنا بر تجربه من بهتر است منتظر تشکیل موج سوم باشید.

بیشتر الگوها یی که می بینید دارای سه یا چهار سقف (در این مثال کف) می باشد پس بهتر است منتظر کف های بعدی باشید نه اینکه در کف دوم اقدام به ورود نمایید. در حالت ورود زود هنگام یک کندل بزرگ صعودی نشانه تأیید کف دوم است.



در مثال ما موج دوم صعودی باعث شروع حرکت در جهت روند صعودی قبلی نشد و بازار دوباره به کف دوم برگشت.

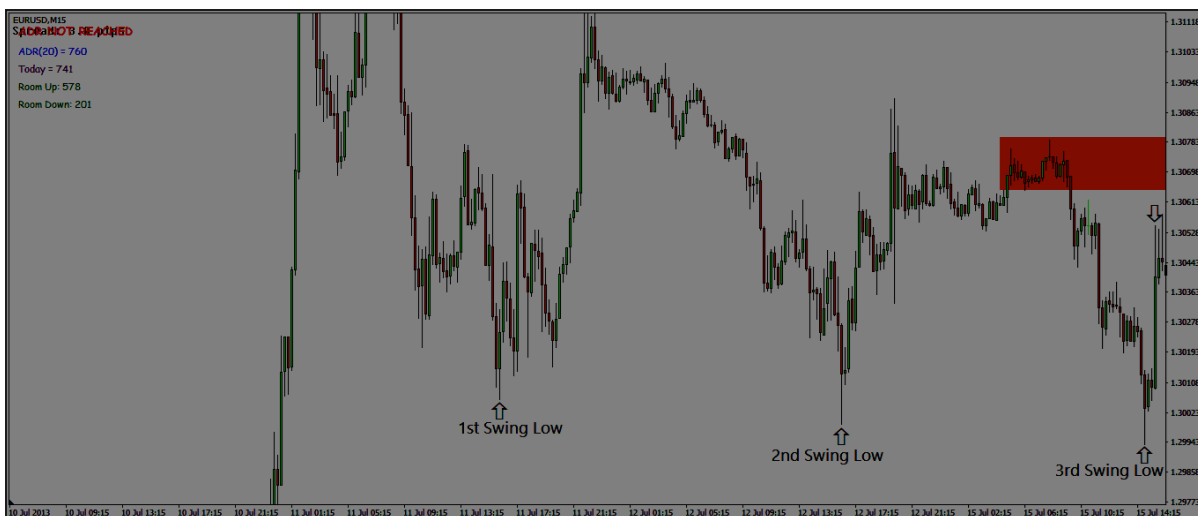
در این زمان می بایست به تایم ۵ دقیقه رفته و منتظر تشکیل الگو باشیم . تشکیل الگو در نزدیکی کف دوم تایم یک ساعته نشانه خوبی از تشکیل کف سوم می باشد. با ترید بر روی این الگو می توان یک خرید با ریسک کم و استاپ کوچک داشته باشیم.



تریگر پرایس اکشن TRIGGER



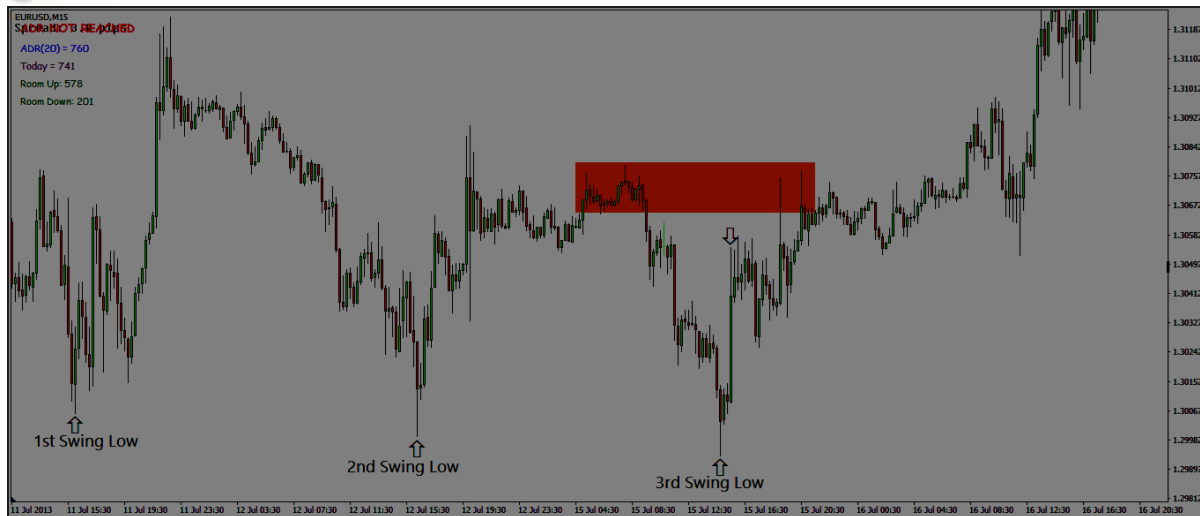
در این مثال الگوی کوچکتر در تایم پایین تشکیل نشده است و می بایست با مشاهده اولین کندل قوی صعودی پس از کف سوم وارد پوزیشن خرید شویم کندل مذکور در شکل زیر با فلش نشان داده شده است.



همانطور که مشاهده می کنید یک ساعت پس از تشکیل کف سوم یک کندل صعودی قوی (با فلش نشان داده شده است) باعث صعود بازار تا منشا حرکت نزولی آخر شده است. (کادر قرمز)

با مشاهده این کندل قوی کف سوم تأیید شده و می توانیم پس از بسته شدن آن وارد پوزیشن خرید با استاپ زیر کف سوم شویم. با رسیدن قیمت به محل کادر قرمز می بایست پوزیشن ریسک فری گردد، زیرا اگر بازار قصد ایجاد موج نزولی دیگری داشته باشد احتمالاً از همین نواحی شروع خواهد شد.





همانطور که می بینید قیمت پس از رسیدن به این ناحیه موج نزولی جدیدی تشکیل نداده است. پس شما می توانید با مانیتور کردن قیمت، در محل مناسب با سود خارج شوید. به عقیده من با رسیدن قیمت به محل شروع اصلاح و یا جایی که در گذشته تثبیت و یا برگشت داشته ایم، می بایست قسمتی از پوزیشن خود را ببندید .

زیرا در این جاها بانکها پوزیشنهای خود را قرار می دهند و با بازگرداندن قیمت به این نواحی ممکن است، قصد قرار دادن سایر اردرهای خود را داشته باشند، که این خود باعث یک برگشت و یا حرکت بزرگ می شود. پس بهتر است همیشه بخشی از سود خود را قبل از رسیدن قیمت به این نواحی برداشت کنیم.

هرچند در صورتی که پوزیشن خرید شما باز است، اگر قیمت دو سقف نزدیک بهم تشکیل داد، فارغ از نوع استراتژی مورد استفاده، می بایست استاپ لاس را به محل کف بین دو سقف انتقال داد. در پوزیشن های فروش نیز با تشکیل دو کف نزدیک بهم باید استاپ لاس به محل سقف بین دو کف انتقال داده شود. زیرا ممکن است یک الگوی برگشت در جهت مخالف در حال شکل گیری باشد.



## نکات مهم:

اولین موج از الگو می بایست بزرگ باشد .

وقتی قرار است بر روی یک الگو ترید کنیم لازم است که اولین موج تشکیل شده بزرگ باشد. نباید بر روی الگوهای با موجهای کوچک ترید کرد، زیرا امواج کوچک معمولاً بخاطر برداشت سود بانکها ایجاد می شود و نه بخاطر قراردادن اردرهای جدید.



در اینجا یک الگوی تشکیل شده با یک موج صعودی کوچک نشان داده شده است.



تریگر پرایس اکشن TRIGGER



abcBourse.ir



@abcBourse\_ir

مرجع آموزش بورس



باز نشر:



و در اینجا الگوی تشکیل شده با موج اول بزرگ نشان داده شده است. به تفاوت اندازه موجها در دو تصویر فوق دقت کنید. اندازه موج الگوی دوم به وضوح بزرگتر از موج الگوی اول است.

بزرگتر بودن موج نشان دهنده این است که احتمال قراردادن اردرهای بانکها در این ناحیه بیشتر بوده است و بنابراین احتمال موفقیت الگو بالاتر است. متأسفانه نمی توان مقدار مشخصی برای اندازه موجها پیدا کرد و این تصمیم براساس تجربه و نظر شخصی گرفته میشود، ولی با این وجود میتوان به عنوان یک معیار برای یورو دلار از اندازه موج مثال بالا استفاده کرد. بدین معنی که اندازه موج مورد نیاز جهت ترید بر روی یورو دلار نباید کمتر از مقدار فوق باشد و اگر در موردی الگو دارای موجی با اندازه کوچکتر از این بود بهتر است با این الگو ترید نکنیم.

### چه تایم فریمهایی برای ترید بر روی این الگو مورد نیاز است؟

همانطور که در بخش قبل نشان داده شد، وقتی منتظر تشکیل یک موج برای ترید هستیم، بهتر است به تایم فریم پایین تر رفته و منتظر تشکیل الگو باشیم. زیرا با این کار میتوانیم ورودهای خوب با استاپ کوچک داشته باشیم.

البته اینکه به کدام تایم فریم پایینتر برویم بستگی به تایم فریمی دارد که الگو در آن در حال شکل گیری است. در زیر لیست تایم فریمهای توصیه شده آورده شده است.

اگر الگو در تایم یک یا نیم ساعته در حال شکل گیری است، برای ترید به تایم ۵ دقیقه بروید.

اگر الگو در تایم ۵ یا ۱۵ دقیقه در حال شکل گیری است، برای ترید به تایم ۱ دقیقه بروید.

اگر الگو در تایم ۴ ساعته در حال شکل گیری است، برای ترید به تایم ۱۵ دقیقه بروید.

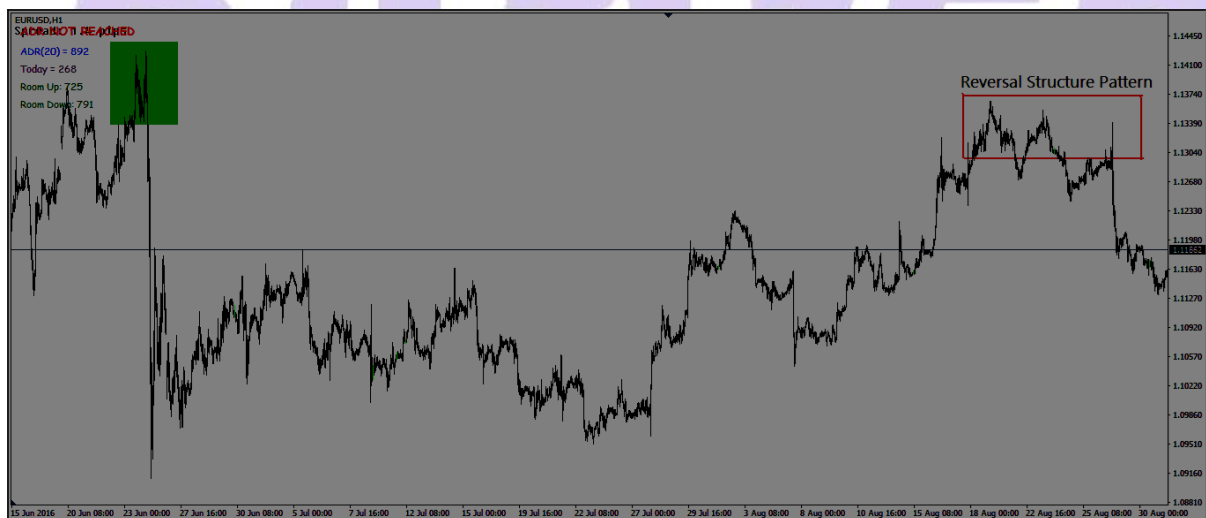
اگر الگو در تایم روزانه در حال شکل گیری است، برای ترید به تایم یکساعته بروید.



## به دنبال الگوهایی باشید که در نزدیکی مکانهای قرارگیری اردرهای بانکها باشد.

اگر چه شما نمی توانید دقیقاً محل تشکیل این الگو را پیدا کنید ولی به احتمال زیاد این الگو در محلی اتفاق می افتد که تریدرهای بانکها قبلاً در آنجا اردرگذاری کرده اند. دلیل این موضوع این است که بانکها وقتی اردرهای خود را قرار می دهند، ممکن است به تعداد کافی اردر مخالف در بازار موجود نباشد. چون آنها نمیتوانند تمامی اردرهای خود را در یک قیمت قرار دهند، بنابراین آنها بازار را به نقطه ای که قبلاً اردرهای خود را قرار داده اند بر می گردانند تا بتوانند مابقی سفارشات خود را در قیمت های مشابه بکنند.

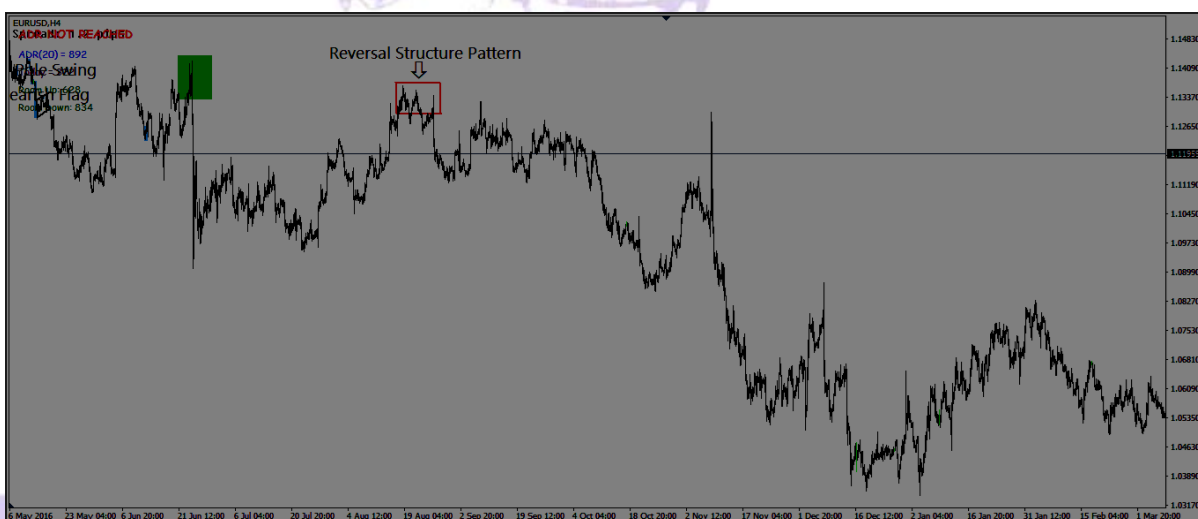
وقتی آنها مابقی سفارشاتشان را پر کردند، الگوی ساختار برگشت شکل می گیرد. پس با فهمیدن محل اردرگذاری بانکها میتوان تقریباً متوجه محل تشکیل الگو گردید. اگرچه جاهای بسیار زیادی وجود دارد که بانکها اردرهای خود را قرار می دهند ولی برخی بخاطر تعداد سفارشات قرار داده شده در آن ناحیه، مهمتر از بقیه هستند. تثبیت ها، برگشت ها و جاهایی که اصلاح تمام می شود، جاهایی است که بانکها اردرهای قابل توجهی را قرار می دهند. پس در این مکانها باید بدنبال تشکیل الگو باشید. زیرا در صورتیکه بانکها در این مکانها نتوانسته باشند تمامی اردرهای خود را قرار دهند، آنها دوباره بازار را برمیگردانند تا بتوانند مابقی اردرهای خود را پر کنند.







این تصویر یک الگوی ساختار برگشت است که قبلاً نیز در همین کتاب آورده شده بود. با کوچک کردن چارت متوجه می شویم که الگو در محل برگشت قیمت در چند روز گذشته تشکیل شده است. این برگشت به همراه الگوی تشکیل شده توسط تریدرهای بانک، باعث بازگشت قیمت گردید. وقتی قیمت برگشت، بانکها نتوانستند تمامی اردرهای خود را قرار دهند بنابراین قیمت دوباره یک حرکت صعودی انجام داده تا با خریدار شدن تریدرهای خرد، بانکها موفق به پر کردن مابقی سفارشات خود شوند.



اگر به تایم ۴ ساعته برویم، می بینید که با تشکیل الگو، قیمت بدون وارد شدن به فاز تثبیت، ریزش کرده است. تثبیت شکل گرفته پس از ریزش بدلیل این است که بانکها هنوز نتوانسته اند تمامی اردرهای خود را در زمان تشکیل الگو پر کنند. اثبات این نظریه این است که سقفهای تثبیت، بازگشت و اصلاح، همگی در قیمت های مشابهی شکل گرفته اند. حتی سقف حرکت اسپایک ایجاد شده در چند هفته بعد نیز، در همان محدوده سقف های قبلی شکل گرفته است.

صادقانه بگویم که الگوهای تشکیل شده در جهت روند عموماً در مناطقی تشکیل می شوند که قبلاً اردرهای بانکها قرار داده شده است، مانند بازگشتهای تثبیتها و انتهای اصلاح ها. ولی الگوهای





تشکیل شده در خلاف جهت روند عموماً در بازه رفتار فعلی قیمت قابل تشخیص است. هر چند برای تشخیص، می توان به مقاله معرفی شده در بخشهای قبل مراجعه کرد.

### سخن پایانی:

امیدوارم مثالهای ارایه شده بتواند ایده خوبی از گامهای مورد نیاز برای ترید بر روی این الگو را به شما بدهد. درست است که الگوی ساختار برگشت، ساده ترین الگو برای تشخیص و ترید نیست ولی الگویی است که بصورت فوق العاده ای به شما کمک می کند. زیرا حتی اگر تصمیم به ترید بر روی آن نداشته باشید، می توانید از آن به عنوان نشانه ای برای احتمال بازگشت قیمت استفاده کنید.

